

## بررسی مقطی سبک تربیت و دوستی به عنوان واسطه های رابطه بین کلاس اجتماعی و

### سلامت روان در یک جامعه دانشگاهی

چکیده :

مقدمه : این مطالعه به آزمون یک توجیه جدید برای رابطه مثبت بین کلاس اجتماعی و سلامت روان در میان دانشجویان دانشگاه می پردازد. انتظار می رود که دانشجویان با طبقات اجتماعی بالاتر سبک های تربیتی مقتدرانه تر و کم تر مستبدانه دارند. این سبک های تربیتی انتظار می رود که منجر به دوستی بیشتر و یکپارچگی اجتماعی بیشتر در دانشگاه شوند و دوستی بیشتر و یکپارچگی بیشتر منجر به سلامت بهتر روان می شود.

روش : برای تست این مدل، محققان از 397 دانشجوی کارشناسی درخواست کردند تا یک نظر سنجی آنلاین را کامل کند. این تحقیق از یک طرح همبستگی مقطعی استفاده کرده و داده ها با تست های واسطه گری سریالی چند گانه بوت استرپ تجزیه تحلیل شدند.

نتایج : مطابق با پیش بینی ها، سبک تربیتی، دوستی و پشتیبانی عمومی، و یکپارچه سازی اجتماعی در دانشگاه یک عامل واسطه ای بین طبقه اجتماعی و سلامت روانی است.

نتیجه گیری : نتایج نشان می دهد که سبک های تربیتی طبقه کارگر مانع از توسعه دوستی های حمایتی از نظر اجتماعی می شود که افراد را در برابر مسائل سلامت روان مصون می دارد. کارایی بالقوه مداخلات بر اساس 1- یکپارچگی اجتماعی و 2- سبک تربیتی مورد بحث قرار گرفته است. تحقیقات آینده در این زمینه بایستی از طرح تحقیقات طولی برای دست یابی به نتایج علی در مورد رابطه بین کلاس اجتماعی، سبک های تربیتی، دوستی، یکپارچه سازی اجتماعی و سلامت روان استفاده کنند.

لغات کلیدی: طبقه اجتماعی، وضعیت اجتماعی اقتصادی، سبک تربیتی، دوستی، یکپارچه سازی اجتماعی، سلامت

روانی

مقدمه

امروزه به خوبی اثبات شده است که کلاس اجتماعی و وضعیت اجتماعی اقتصادی (SES) ارتباط مثبتی با سلامت روان دارد. برای مثال، یک فرا تحلیل از 51 مطالعه نشان داده است که افرادی با SES بالاتر کم تر از افراد با SES

کم تر افسرده هستند(5). با این حال محققان در مورد فرایندهای اصلی رابطه بین طبقات اجتماعی و افسردگی به توافق نرسیده اند.

بررسی تفاوت های طبقات اجتماعی در افسردگی، سلامت روان و سلامت به طور کلی مهم است زیرا مداخلات مبتنی بر شواهد که موجب کاهش نابرابری های اجتماعی در سلامت فیزیکی و روان می شوند، می توانند به مزایای اقتصادی چشم گیری نیز دست پیدا کنند. برای مثال، گزارشات اخیر نشان داده است که کاهش نابرابری سلامت طبقات اجتماعی در استرالیا منجر به صرفه جویی 8 میلیارد دلاری در درآمد سرانه سالانه، 3-4 میلیارد دلار در ارایه حقوق بازنشستگی دولتی و مقرری و 2.3 میلیارد دلار به ازای کاهش تعداد بیماران، 273 میلیون دلار در سال به ازای مزیت های بهداشت و درمان و 185 میلیون دلار در سال در خصوص کاهش استفاده از تجویزات پزشکی می شود(8). از این روی صرفه جویی بالقوه هزینه ناشی از کاهش نابرابری سلامت طبقات اجتماعی بسیار چشمگیر است.

### مروری بر تحقیقات جاری

با توجه به روابط تجربی و نظری بین طبقات اجتماعی، سبک تربیتی، دوستی و یکپارچگی اجتماعی و سلامت روان و رفاه، قابل توجه است که سبک تربیت و دوستی و یکپارچه سازی اجتماعی یک عامل واسطه ای در روابط بین طبقه اجتماعی و سلامت روان و رفاه باشد. این مدل واسطه گری سریالی چندگانه در شکل 1 نشان داده شده است. ما به بررسی این مدل تست نشده در یک جامعه دانشگاهی می پردازیم. از این روی پیش بینی می شود که دانشجویان مربوط به طبقات اجتماعی بالاتر، یک سبک تربیتی مقتدرانه تر و کم تر مستبدانه را تجربه کرده باشند و این که این سبک های تربیتی و فرزند پروروری موجب توسعه طیف وسیعی از منابع روانی سودمند از نظر اجتماعی (به عنوان مثال، خود مدیریت، خود تنظیمی ارتقا محور، شایستگی اجتماعی، نظریه ذهن) می شود که دانشجویان را قادر به توسعه روابط بیشتر و یکپارچگی اجتماعی در دانشگاه می کند. دوستی بهتر و یکپارچگی اجتماعی بهتر ناشی از اثرات خنثی سازی استرس و اثرات سودمند بر روی عزت نفس، حس تعلق و پشتیبانی اجتماعی ادراک شده است.

بررسی نقش های واسطه ای بالقوه سبک تربیتی و دوستی و یکپارچه سازی در توجه روابط بین طبقات اجتماعی و سلامت روان مهم است زیرا این نوع مطالعات اطلاعات خوبی در زمینه توسعه مداخلات اجتماعی بهبود دهنده

سلامت روان افراد از طبقات کارگر فراهم می کند. به خصوص، مدل ما دو مداخله بالقوه را پیشنهاد کرده است الف: مداخلات پروگزیمال که موجب بهبود یکپارچگی اجتماعی افراد طبقه کارگر می شود و ب: مداخلات دیستال که موجب تشویق والدین کارگر برای پذیرش سبک های تربیتی مقتدرانه و غیر مستبدانه می شوند. ما این مداخلات بالقوه را به طور مفصل در بخش مربوط به اهمیت و پیامد ها بحث می کنیم.

## روش

### شرکت کننده ها و طرح

این تحقیق از طرح همبستگی مقطعی و شاخص های خود گزارشی کمی استفاده کرده است که در نظر سنجی آنلاین ارایه شده اند. شرکت کننده ها شامل دانشجویان کارشناسی روان شناسی در یک دانشگاه دولتی استرالیا بودند. یک نظر سنجی مقطعی از 6044 نفر در سال 2010 انجام شد و نشان داد که دانشجویان این دانشگاه با درآمد پایین، یک نوع اضطراب و افسردگی را تجربه کردند (53). از این روی، رابطه بین طبقه اجتماعی و سلامت روان در این جمعیت مشهود است.

دانشگاه دارای 27.32 درصد دانشجویان با SES پایین بر اساس اقامت دانشگاه در مناطق SES پایین بود. این رقم بیش از مقدار متوسط در دانشگاه های استرالیا است با این حال نشان دهنده درصد افراد با SES پایین در جمعیت استرالیا است. تاییدیه اخلاقی برای تحقیق از کمیته اخلاق تحقیقات دانشگاهی گرفته شد. شرکت کننده ها در تصمیم گیری برای انجام تحقیق مختار بودند. به آن ها اعتبار 1 درصد را برای شرکت در مطالعه داده شد. یک تحلیل توان قبلی برای ایجاد اندازه نمونه انجام شد. فرا تحلیل اخیر نشان داده است که رابطه بین کلاس اجتماعی و شیوع افسردگی با نسبت شانس 1.81 با 95 درصد CI از 1.57-2.10 نشان داده می شود. این نسبت شانس برابر با اندازه اثر  $r = -0.16$  است. ما محاسبه کردیم که 406 شرکت کننده برای تشخیص اندازه اثر این بزرگی با استفاده از یک تست همبستگی دو متغیره دو دامنه با سطح الفای 0.5 و ارزش توان 0.90 لازم است. در این تحقیق این اندازه نمونه به 410 شرکت کننده برای توجیه ورود یا حذف شرکت کننده ها یا حذف داده های پرت گرد شد. داده ها از 410 شرکت کننده جمع آوری شدند. از این تعداد، 13 شرکت کننده نشان دادند که آن ها نمی خواهند داده هایشان تجزیه تحلیل شود. این 13 مورد حذف شدند. 321 زن و 76 مرد در این نمونه در نظر گرفته شدند. این کاهش تعداد مردان در برنامه های روان شناسی کارشناسی انتظار می رفت. برای رفع این عدم

تبادل جنسیتی، ما جنسیت را به صورت یک هم متغیر در تحلیل خود برای کنترل اثرات جنسیتی بالقوه در نظر گرفتیم. سن شرکت کننده ها از 17 تا 51 سال با میانگین 21.94 متغیر بود. اکثریت شرکت کننده ها به صورت قفقازی (89.0٪) شناسایی شدند. سایرین شامل افراد سایر (4.86٪)، استرالیایی (2.81٪)، آسیایی (2.81٪)، و یا آفریقایی (0.51٪) بودند.

شکل 1: اثر طبقه اجتماعی بر سلامت روان از طریق سبک رهبری و دوستی و یکپارچگی اجتماعی

سلامت روان و رفاه	دوستی و یکپارچگی اجتماعی	سبک تربیتی	طبقه اجتماعی
-------------------	--------------------------	------------	--------------

بر اساس شاخص تشابه کلاس اجتماعی، 13.85 درصد شرکت کننده ها جزو طبقه کارگر، 6.80 درصد جزو طبقه متوسط پایین، 40.5 درصد جزو طبقه متوسط، 30.98 درصد جزو طبقه متوسط بالا، 0.99 درصد جزو طبقه بالا و 6.30 درصد طبقه اجتماعی خود را نمی دانستند.

#### شاخص ها

#### طبقه اجتماعی

بر اساس تحقیقات قبلی، ما از یک مجموعه از شاخص های رایج طبقه اجتماعی استفاده کردیم. این شاخص ها شامل ارزیابی های مربوط به تحصیلات والدین، شغل، درآمد، هویت طبقه اجتماعی، و اندازه خانه بود. شرکت کننده ها بالاترین سطح تحصیلات الف: مادر و ب: پدر خود را با مقوله های زیر نشان دادند: تعلیم و تربیت رسمی، مدرسه ابتدایی (مهد کودک تا سال 6)، متوسطه یا دبیرستان (سال 7-10)، دوره راهنمایی (سال 11 و 12)، آموزش فنی (TAFE)، دانشگاه - مدرک کارشناسی (لیسانس)، دانشگاه - کارشناسی ارشد (کارشناسی ارشد یا دکترا). آن ها هم چنین طبقه اجتماعی را به صورت زیر توصیف کردند الف: خوشان ب: مادرشان، و پ: پدرشان و این کار با مقیاس 5 نقطه ای صورت گرفت: طبقه کارگر طبقه متوسط پایین، طبقه متوسط، طبقه متوسط بالا، طبقه بالا. در نهایت، شرکت کننده ها تعداد اتاق خواب های خانه را در زمانی که 15 ساله بودند با مقیاس 11 نقطه ای یک و بیش تر از ده نشان دادند.

#### سبک تربیت فرزند

سبک تربیت با استفاده از گزینه های مربوط به پرسشنامه رفتار تربیتی (PBQ-HS; [57]) اندازه گیری شد که این نسخه اصلاح شده از پرسش نامه رفتار تربیتی است (58). بر اساس تحقیقات قبلی (41)، 13 گزینه از 16 گزینه مربوط به زیر مقیاس واکنشی فعال PBQ-HS و همه نه گزینه از زیر مقیاس محدود کننده فعال استفاده شد. زیر مقیاس واکنشی فعال، گرمی والدین، پاسخگو بودن به نیاز های فرزندان و احترام به استقلال فرزندان را ارزیابی می کردند که ابعاد کلیدی تربیت مقتدرانه می باشد. زیر مقیاس محدود کننده فعال مستلزم این است که والدین از انضباط تنبیهی استفاده می کنند که جزو ابعاد کلیدی تربیت مستبدانه است. بر اساس تحقیقات قبلی، آیتم های مربوط به PBQ-HS را برای گزارش رفتار والدین شرکت کننده ها استفاده کردیم (38-41). از این روی آیتم مربوط به زیر مقیاس سبک پاسخگویی فعال این است "وقتی که من سعی می کردم کار خوبی انجام دهم والدین من گفتند که آن ها به وجود من افتخار می کنند".

### دوستی و یکپارچگی اجتماعی

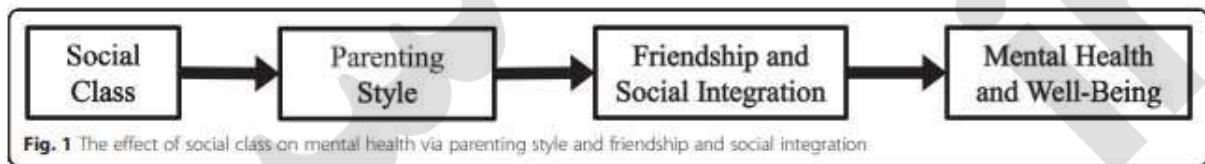
ما یکپارچگی اجتماعی و دوستی را با استفاده از ترکیبی از مقیاس های ارزیابی کیفیت دوستی، تنهایی، حمایت اجتماعی، احساس تعلق و مشارکت اجتماعی. اندازه گیری کردیم. مقیاس ها شامل مقیاس اهداف دوستی 8 گزینه ای، مقیاس تنهایی UCLA اصلاح شده 20 گزینه ای، مقیاس دوستی 6 گزینه ای، زیر مقیاس راهنمایی 4 گزینه ای مقیاس خدمات اجتماعی، نسخه 6 گزینه ای زیر مقیاس مشارکت اجتماعی از پرسش نامه پشتیبانی اجتماعی ادراک شده بود. همچنین یک شاخص سه گزینه ای نزدیکی روابط و رضایت در دانشگاه را در نظر گرفتیم: من از زندگی اجتماعی در دانشگاه احساس رضایت دارم، من در دانشگاه با دوستان احساس نزدیکی می کنم و من از کیفیت روابطی که با دوستان دانشگاهی دارم راضی هستم.

### سلامت روان

ما شاخص های سلامت روان را در نظر سنجی خود در نظر گرفتیم: پرسشنامه افسردگی بک 21 گزینه ای، پرسش نامه اضطراب بک 21 گزینه ای، پرسشنامه خوشحالی افسردگی 25 گزینه ای. شاخص رفاه نیز در نظر گرفته شد: رضایت 5 گزینه ای با مقیاس حیات (69).

### روش

شرکت کننده ها نظر سنجی آنلاین را از کامپیوتر با دسترسی به اینترنت کامل کردند. نظر سنجی با عنوان والدین، شخصیت و احساسات بود و شرکت کننده ها با این جمله مواجه شدند: نقش تربیب در توسعه و بیان ابعاد شخصیت و احساسات. از شرکت کننده ها خواسته شد تا نظر سنجی را خودشان و در هر محیطی که دوست دارند پر کنند. 23 دقیقه برای کامل کردن نظر سنجی تنظیم شد. مقیاس های توصیف شده قبلی به صورت تصادفی برای هر شرکت کننده به جز شاخص کلاس اجتماعی ارائه شده است که در انتهای نظر سنجی برای اجتناب از دور شدن موضوع توسط شرکت کننده ها قرار گرفته بود. گزینه های درون هر مقیاس به صورت تصادفی برای هر شرکت کننده در نظر گرفته شده اند. بیشتر شرکت کننده ها موارد قبلی را تکرار کرده بودند. تنها تعداد کمی طبقات اجتماعی و وضعیت اجتماعی اقتصادی را ذکر کردند و این نشان می دهد که این بعد از مطالعه برای شرکت کننده ها زیاد برجسته نبوده است.



شکل 1

## نتایج

### تحلیل عاملی اکتشافی

انجام تست های آماری مجزا بر روی نه معیار یا شاخص طبقه اجتماعی، هفت معیار دوستی و یکپارچگی اجتماعی و پنج شاخص سلامت روان، موجب افزایش ریسک دست یابی به نتایج اشتباه با خطای نوع 1 می شود. برای کاهش این ریسک، ما به بررسی احتمال ترکیب یکی از معیار ها با معیار های درجه بالاتر پرداختیم که ارزیابی های حساس و مطمئن از ساختار های کلیدی را نسبت به شاخص های فردی ارائه می کند.

### طبقه اجتماعی

ما به بررسی این موضوع پرداختیم که آیا ترکیب 9 شاخص کلاس اجتماعی به یک شاخص کلی مناسب است یا خیر (20، 54، 55). نه شاخص کلاس اجتماعی یعنی بالاترین تحصیلات پدر و مادر، وضعیت شغلی پدر و مادر، درآمد خانواده در دوران کودکی، هویت و طبقه اجتماعی مادر، پدر، و خود فرد، تعداد اتاق خواب در خانه پدر و

مادر در 15 سالگی) به نمرات Z برای تولید شاخص های مشابه تبدیل شدند. آن ها در محور اصلی تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفتند. برای تعداد عوامل، یک تحلیل موازی با شبیه سازی مونته کارلو انجام شد. تحلیل عاملی در 500 مجموعه داده شبیه سازی شد که هر کدام شامل 9 متغیر و 397 شرکت کننده بودند. نتایج نشان داد که تنها دو عامل در مجموعه داده های واقعی دارای مقدار ویژه ای است که بزرگ تر از دو فاکتور اول در مجموعه داده های شبیه سازی شده است. در نتیجه استخراج دو فاکتور با چرخش پرومکس برای بررسی همبستگی فاکتور ها تعیین شد. همه آیتم های کلاس اجتماعی با 0.40 درصد فاکتور اول جدا از تعداد سوالات مربوط به اتاق خواب و بالاترین تحصیلات والدین بار گذاری شدند. تنها آیتم برای بار گذاری بر روی دومین عامل نسبت به اولین مورد، بالاترین سطح تحصیلات مادران بود. بر اساس این نتایج، ما یک شاخص ترکیبی از طبقه اجتماعی را در نظر می گیریم که شامل همه گزینه های طبقات اجتماعی جدا از تعداد اتاق خواب ها و بالاترین سطوح تحصیلات پدر و مادر هستند. شش گزینه طبقه اجتماعی همبستگی میانگین خوبی با یک دیگر و پایایی داخلی خوب داشتند (الف کرونباخ 0.77).

#### دوستی و سلامت روان

ما هم چنین یک تحلیل اکتشافی محور اصلی را بر روی تبدیلات دوستی و متغیر سلامت روان انجام دادیم و پرسش نامه های مورد استفاده شامل پرسشنامه افسردگی بک 21 گزینه ای، پرسش نامه اضطراب بک 21 گزینه ای، پرسشنامه خوشحالی افسردگی 25 گزینه ای بودند. برای تست این مدل، محققان از 397 دانشجوی کارشناسی درخواست کردند تا یک نظر سنجی آنلاین را کامل کند. این تحقیق از یک طرح همبستگی مقطعی استفاده کرده و داده ها با تست های واسطه گری سریالی چند گانه بوت استرپ تجزیه تحلیل شدند. همه مقیاس های سلامت روان 0.73 درصد فاکتور اول را توجیه کردند که جدا از رضایت مربوط به حیات است که دارای مقدار -0.38 بود. از این روی، اولین فاکتور بیانگر سلامت روان است. مقیاس تنهایی UCLA اصلاح شده، مقیاس راهنمایی، مقیاس دوستی و مقیاس اهداف دوستی دارای بار 0.48 بر روی دومین عامل بود. این فاکتور دوم به صورت معیار دوستی کلی و پشتیبانی اجتماعی در نظر گرفته شد. مقیاس رضایت از زندگی نیز دارای مقدار 0.42 بر روی دومین فاکتور بود. با این حال با توجه به این که رضایت از زندگی متفاوت از پشتیبانی و دوستی کلی است، ما این متغیر را کنار گذاشتیم. حس تعلق در دانشگاه، مشارکت اجتماعی در دانشگاه، رضایت از رابطه و نزدیکی در دانشگاه 0.56

درصد از سومین فاکتور را توجیه کردند. از این روی این فاکتور یکپارچگی اجتماعی در دانشگاه را نشان داد. بر اساس تحلیل فوق، سه متغیر درجه بالا ایجاد شد. شاخص سلامت روان به صورت میانگین امتیازات Z از پرسش نامه افسردگی بک، اضطراب بک، مقیاس استرس افسردگی و خوشحالی بک گرفته شد. برای کمک ب تفسیر این موضوع، این شاخص به صورت برعکس تنظیم شد به طوری که امتیازات بالاتر سلامت روانی بهتری را نسبت به سلامت روانی بدتر نشان دادند. شاخص پشتیبانی و دوستی عمومی میانگین امتیازات Z از مقیاس اهداف دوستی، مقیاس تنهای UCLA اصلاح شده، مقیاس دوستی نشان داد.

Measure	1	2	3	4	5	6
1. Social class	-					
2. Authoritative parenting	.30**	-				
3. Authoritarian parenting	-.25**	-.43**	-			
4. General friendship and support	.20**	.43**	-.16**	-		
5. Social integration at university	.22**	.25**	-.09	.50**	-	
6. Mental health	.15**	.31**	-.14**	.60**	.44**	-
7. Satisfaction with Life	.24**	.42**	-.25*	.62**	.43**	.66**

\* $p < .05$ . \*\* $p < .01$ .  $N = 397$  apart from for the correlations in Column 1, where  $N = 393$  due to missing data in the social class variable

## جدول 1

Parenting Style	Outcome variable	Indirect effect		Total effect		Direct effect	
		b (SE)	Bootstrapped 95 % CIs	b (SE)	p (95 % CIs)	b (SE)	p (95 % CIs)
Authoritative	Mental health	0.0133 (0.0043)	0.0065, 0.0243	0.180 (0.059)	.002 (0.065, 0.295)	0.002 (0.049)	.971 (-0.099, 0.095)
Authoritarian	Mental health	0.0032 (0.0021)	0.0005, 0.0091	0.180 (0.059)	.002 (0.065, 0.295)	0.003 (0.049)	.950 (-0.094, 0.100)
Authoritative	Satisfaction with life	0.0153 (0.0070)	0.0041, 0.0328	0.444 (0.093)	< .001 (0.261, 0.627)	0.118 (0.077)	.127 (-0.034, 0.270)
Authoritarian	Satisfaction with life	0.0038 (0.0027)	0.0004, 0.0122	0.444 (0.093)	< .001 (0.261, 0.627)	0.128 (0.077)	.098 (-0.024, 0.280)

All tests are multiple serial mediation tests in which social class predicts either mental health or well-being via parenting style (authoritative or authoritarian), general

## جدول 2

### بحث

این مطالعه سه نقش مهم را در تقویت مطالعات و منابع قبلی ایفا می کند. اول این که شواهدی را ارائه می کند که مبنی بر آن یکپارچگی اجتماعی و دوستی یک عامل واسطه ای بین سلامت روان و طبقه اجتماعی است. این اثر واسطه ای به این دلیل رخ می دهد که دوستی و یکپارچگی اجتماعی موجب ایجاد یک حس عزت نفس، حس تعلق و پشتیبانی اجتماعی می شوند که همگی برای سلامت روان سودمند هستند و افراد طبقه کارگر دارای دوستان کم تر و یکپارچگی اجتماعی کم تری نسبت به افراد طبقه متوسط می باشند. تست های قبلی بر روی



نقش های واسطه دوستی و یکپارچه سازی انجام شده اند. تحقیقات حاکی از اهمیت استفاده از شاخص جامع دوستی، پشتیبانی اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی باری تست این نقش واسطه ای است. دوما، این تحقیق اولین شواهد را ارائه می کند که نشان می دهد سبک تربیتی یک نقش واسطه ای بین کلاس اجتماعی و سلامت روانی ایفا می کند. این اثر واسطه ای به این دلیل رخ می دهد که سبک های تربیتی سودمندی کم تری برای توسعه دوستی و یکپارچگی اجتماعی دارند. سوماً این تحقیق اولین شواهد را در مورد مدل واسطه ای سریال چندگانه ارائه می کند که توجیه کننده روابط بین طبقات اجتماعی و سلامت روان و رفاه با در نظر گرفتن سبک تربیتی و دوستی و یکپارچگی اجتماعی به عنوان عوامل سریالی است به طور اخص، تحقیق حاضر نشان می دهد که 1- طبقه اجتماعی دانشجویان کارشناسی نشان دهنده سبک های تربیتی مستبدانه و مقتدرانه در طی کودکی و نوجوانی است 2- این سبک های تربیتی شاخص دوستی و پشتیبانی عمومی دانشجویان هستند و 3- این که دوستی و پشتیبانی، شاخص و نشان دهنده یکپارچگی اجتماعی در دانشگاه است و 4- این که این یکپارچگی اجتماعی یک شاخص پیش بینی رفاه و سلامت روان است. از این روی، هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، سبک تربیتی والدین بیشتر مقتدرانه تر و کم تر مستبدانه تر خواهد بود. و هر چه دوستی و یکپارچگی اجتماعی در دانشگاه بیشتر باشد، سلامت روان و ذهن بیشتر خواهد بود. به طور ساده تر، سبک تربیت و دوستی و یکپارچگی اجتماعی یک عامل واسطه ای بین کلاس اجتماعی و سلامت روان و رفاه است. این اولین شواهد در تایید مدل واسطه ای سریالی چند گانه است. از همه مهم تر این که، طرح تحقیق همبستگی و مقطعی فعلی به ما امکان نتیجه گیری در خصوص روابط مشاهده شده را نمی دهد. با این وجود، اثرات مشاهده شده با پیشنهاد ما مبنی بر این که دانشجویان با تجربه طبقه اجتماعی بالاتر دارای سبک والدینی مقتدرانه تر و کم تر مستبدانه تر دوستی و یکپارچگی اجتماعی بیشتری می باشند هم خوانی دارد. بر عکس سبک های تربیتی طبقه کارگر مانع از توسعه دوستی های حمایتی اجتماعی می شوند که حل کننده مسائل سلامت روان در دانشگاه است.

### نتیجه گیری

این تحقیق اولین تحقیق تجربی است که نشان می دهد سبک تربیتی یا فرزند پروری، دوستی و یکپارچگی اجتماعی یک عامل واسطه ای بین روابط مثبت بین کلاس اجتماعی و سلامت روان و رفاه در دانشگاه است. به طور اخص تحقیقات نشان می دهند که در مقایسه با دانشجویان طبقه متوسط، دانشجویان طبقه کارگر گزارش

کردند که والدین آن‌ها بیشتر مستبدانه رفتار می‌کردند تا مقتدرانه. این تفاوت‌های طبقه اجتماعی در سبک‌های تربیتی، یک شاخصی از تفاوت‌های طبقه اجتماعی در دوستی‌های عمومی و یکپارچگی اجتماعی در دانشگاه می‌باشد که نشان‌دهنده تفاوت‌های طبقه اجتماعی در رفاه و سلامت روانی می‌شود. این اطلاعات و شواهد جدید متناسب با این دیدگاه است که سبک‌های تربیتی طبقه کارگر مانع از توسعه دوستی‌های حمایتی اجتماعی در دانشگاه می‌شوند. با این حال طرح تحقیق همبستگی مقطعی مورد استفاده در این مطالعه نشان‌دهنده تفاوت‌های علی در مورد روابط مورد مشاهده است. شواهد طولی برای دست‌یابی به نتایج محکم‌تر در این زمینه لازم است. آن‌چه که در این رابطه مبرهن است، این است که سبک تربیتی نقش مهمی در توجیه رابطه مثبت بین کلاس اجتماعی و سلامت روان ایفا می‌کند. به علاوه مداخلات با هدف کاهش نابرابری طبقه اجتماعی در سلامت روان بایستی هر دو سبک تربیتی و دوستی و یکپارچگی اجتماعی را در نظر بگیرد.